

بیانیه نوری

انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان

امید که با نیروی اتحاد و همبستگی هرچه گسترده تر خود و همیاری چنین بین المللی کارگران و کوشش مجامع مترقی و صلح دوست جهان، هرچه زودتر چنگ و خوریزی و برادرکشی خاتمه یافته و سال ۶۷ به صلح و آزادی برای زحمتکشان و ستمدیدگان میهن مهمل گردد.

هفت سال و نیم مرگ و زجر و مصیبت عمومی کافی است. این فاجعه سنگین و ویرانگر دیگر نباید ادامه پیدا کند. در حالی که زن و مرد و کودک هموطن ما با بمب و موشک دشمن زیر خروارها خاک مدفون می گردند و جوانان زحمتکش جامعه پهای تولید و تامین مایحتاج عمومی در چپه های چنگ بی حاصل قطعه قطعه شده و یا برای تمام عمر معلول و از کار افتاده می شوند، هر موجودی های نقدی صاحبان انحصارات نظامی - صنعتی امریکایی و اروپایی و دلان بین المللی و همچنین سران و دستیاران رژیم "ولایت فقیه" پیش از پیش افزوده می شود.

زحمتکشان ایران! ای توده! اسپران!

نوروزتان مبارک!

با زحمت و مودت، همبستگی و وحدت،

هر روزتان مبارک!



شماره ۲۰۹ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۷/۱/۱۶
بها ۲۰ ریال

۴۵ سال نبرد در راه بهروزی جوانان

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران

به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان جوانان

می گذرد، به گواهی تاریخ، جوانان توده ای دمی از مبارزه پیکیر و حماسی، علیه ارتجاع و امپریالیسم، در راه حقوق صنفی - سیاسی جوانان و دانشجویان و در راه بهروزی زحمتکشان میهنمان نیاسوده و همواره در صفوف نخستین مبارزه، شهدای بی شماری را نثار جنبش رهائی بخش میهنمان کرده اند. حماسه اطوره هائی همچون وارطان سلاخانیان، بزرگ نیا، رضوی، کوچک شوشتری، جهانگیر باغدانیان ... جوانان ستاره های درخشان بر

با فرا رسیدن فروردین ماه ۱۳۶۷، چهل و پنج سال از حیات سازمان ما، سازمان جوانان پیشرو و مترقی میهنمان، گذشت. چهل و پنج سال پیش، پیکال و نیم پس از بنیانگذاری حزب، جوانان توده ای با توجه به رهنمود پیشاهنگ و آموزگار خود، حزب توده ایران، بر بنیاد رهنمود لنین، مبنی بر لزوم تشکیل سازمان های مستقل جوانان، سازمان جوانان توده ایران را پایه گذاشتند.

در چهل و پنج سالی، که از حیات سازمان ما

بقیه در ص ۶

مبارزه تشدید می شود

پلنوم دیماه ۶۶ کمیته مرکزی حزب توده ایران توسعه فعالیت حزب در کشور را، که ثمره فداکاری و از جان گذشتگی هواداران حزب است، مثبت ارزیابی کرد و از زحمات رفقای، که در شرایط ترور و اختناق توانسته اند هرچم حزب را برافراشته نگه دارند، قدر دانی بعمل آورد. در قطعنامه پلنوم آمده است، "این رفقا که در شرایط دشوار و پر خطر خط مشی حزب را با فداکاری به درون توده ها و در درجه اول بدرون طبقه کارگر می برند، با انضباط شایان تقدیر و پایبندی وفادارانه خود به موازین حزبی سرمشق شایسته ای هستند".

در سالهای ۶۱ و ۶۲، هنگامی که با توطئه سران مرتجع حاکمیت ج.ا. و همیاری "سیا" و "موساد" و "انتلیجنس سرویس" یورشهای فاشیستی به حزب سازمان داده شد، دستگاههای تبلیغاتی رژیم، به پیروی از خمینی و پیروانش، پایان کار "مارکسیسم" در جامعه را اعلام کردند. خمینی و پیروانش تصور می کردند که با حمله ددمنشانه به حزب و زیر شکنجه بردن بخشی از کادر رهبری و برپائی شوهای مسخره تلویزیونی، حضور ذهنی حزب و اندیشه های آن در متن جامعه را از بین خواهند برد. امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی نیز که در کشور ما حزب توده ایران را دشمن آشتی ناپذیر خود می شناختند و می شناسند، چنین تصویری داشتند. در این میان برخی خائنان به طبقه کارگر، رفیقان نیمه راه و عناصر ست عنصر هم، که حس جاه طلبی شان ارضا نشده بود، آگاهانه یا ناآگاهانه، بتدریج به صف مخالفان حزب پیوستند و به آن ضرباتی زدند و از جمله گروهی از هواداران صادق حزب را به انفعال کشاندند. اما گذشت زمان نشان داد که اگر چه خون زیادی از پیکر حزب رفت، اما از پای در نیامد و در یک روند کوتاه مدت تجدید قوا کرد و متناسب با شرایط مبارزه مخفی کار انقلابی اش را از سر گرفت.

امروزه فعالیت حزب در درون جامعه بسیار بقیه در ص ۲

فاجعه ای مرگبار

مردم ایران و عراق چیزی جز فقر ورنج و مرگ نبوده است.

حزب توده ایران عمل سبانه بمباران شیمیایی اهالی بی دفاع شهر حلبچه را شدیداً محکوم می کند. برای خاتمه به چنین جنایتهایی باید به جنگ میان دو کشور پایان داد. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت پایه مناسبی است برای دستیابی به این هدف.

ما از همه آزادخواهان و صلح دوستان در ایران و عراق و دیگر کشورهای جهان می طلبیم، تا هر چه گسترده تر علیه این جنگ خانمانسوز به اعتراض برخیزند.

جنگ ویرانگر ایران و عراق دیگر بار فاجعه ای مرگبار آفرید.

رژیم "بغداد" با دستپاچی به جنگ افزارهای شیمیایی ۵۰۰ تن از اهالی شهر کردنشین حلبچه، واقع در خاک عراق، را قربانی کشتاری ضد انسانی کرد.

استفاده از مواد شیمیایی در جنگ نه تنها مخالف موازین مورد قبول بین المللی است، بلکه همچنین اقدامی ضد بشری بشمار می رود.

این نخستین بار نیست، که مردم ستمدیده کرد، چه در ایران و چه در عراق، آماج تجاوز و وحشیانه رژیم های دیکتاتوری حاکم می شوند. در عراق رژیم صدام حسین از جنگ افزارهای شیمیایی برای کشتار مردم کرد بهره می جوید و در ایران خمینی با بمب های آتش ز او موشک به قلع و قمع این خلق دست می زند. ارگانهای سرکوبگر در هر دو کشور هیچ گونه امنیت جانی و مالی برای مردم کرد باقی نگذاشته اند.

کشتاری، که نظامیان عراق در حلبچه بر اه انداختند، نشان می دهد، که دیکتاتور عراق، همانند همتای خود در ایران، برای تثبیت رژیم خویش از هیچ جنایتی امانی ورزد. ره آورده در رژیم برای

در صفحات تند

تحریم انتخابات يك عمل انقلابی است

در ص ۶

اعتصاب سه روزه دربند "ملی کش ها"

در ص ۲

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مبارزه تشدید . . .

چشمگیر است و روز بروز نیز چشمگیرتر می شود. هسته های حزبی با تلاش و فدکاری و کارهشیارانه توانسته اند شعارهای حزب را بمیان مردم ببرند. هر جا که مبارزه هست، حضور نامرئی حزب نیز کم و بیش احساس می شود. عوامل رژیم، در مراکز مختلف، "ناآرامی ها" را از جمله نتیجه فعالیت توده ایها می دانند. مثلاً، در اواخر آذرماه گذشته، هادی غفاری، در سخنرانی خود در کرج، پس از روضه خوانی و صفرا و کبریا چیدنهای فراوان از تشدید فعالیت حزب ابراز نگرانی کرد. وی به مخاطبان خود، خانواده های نگون بخت کشته شدگان جنگ، توصیه کرد که فریب توده ایها را نخورند و اینقدر از ضرورت صلح و پایان جنگ سخن نگویند. او با طنز کزنده ای گفت: "مسئولان مربوطه مدعی اند، که ریشه حزب توده (ایران) رازده اند." سپس یک شماره "نامه مردم" چاپ داخل کشور را به حاضران نشان داد و گفت: "پس اینها چیست که اینقدر بخش می شود." یکی از دولت مردان ج ۱۰، در وزارت خارجه، در محفلی گفت: "ما در میان نیروهای چپ، دشمن واقعی خود را در چهره حزب توده (ایران) می بینیم." وی با لحنی حسرتبار، که آرزوهای سرکوفته او را بازی نمی نمود، تاکید کرد: "اگر حزب توده (ایران) از بین برود، دیگر گروه های چپ هم خود بخود از بین خواهند رفت." البته در اینجا قصد ما تأیید مبالغه آمیز سخنان مقام مذکور نیست، بلکه بحث بر سر هراسی است که دشمنان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از حزب توده ایران دارند. رژیم می کوشد از کلیه وسائل برای ایجاد اختلاف در حزب و تضعیف آن بهره جوید. تعقیب و مراقبت هسته های حزبی در گوشه و کنار کشور، از وظایف اصلی وزارت اطلاعات تعیین شده است. انتشار برخی "شبنامه های مشکوک بنام" هواداران حزب با هدف ایجاد بدبینی در میان توده ایها، از کارهای دیگری است که وزارت اطلاعات، تحت نظر مستقیم ری شهری، سازمان می دهد.

با تمام این احوال هسته های حزبی با هشیاری و دقت هر چه تمام تر کار انقلابی خود را دنبال می کنند. این سبب شده است که حزب در سالهای اخیر تلفات کمتری بدهد. تردیدی نیست که در نبرد نابرابر رژیم، هسته های حزبی خواه ناخواه تلفاتی خواهند داد. مهم این است که با رعایت اصول پنهانکاری و در آمیختن منطقی فعالیت مخفی و علنی تلفات به حداقل ممکن برسد. این نیز هشیاری و انضباط خدشه ناپذیر و آهنین می طلبد. خوشبختانه هسته های حزب در داخل کشور توانسته اند در این زمینه آزمایش خوبی پس بدهند.

امروزه در مراکز مختلف کارگری و محل زندگی زحمتکشان، در دور افتاده ترین شهرها و مناطق جنگ زده، در میان آوارگان جنگ، بیکاران، در روستاها و مراکز بخشها، میان بخش مهمی از دهقانان، شعارهای حزب در سطح نسبتاً چشمگیری مطرح است. این شعارها، که مواضع واقع بینانه حزب را بیان می کند، اغلب مورد استقبال واقع می شود. اعلامیه ها و تراکت های حزب، هر جا که پخش می شود، دست بدست می گردد. بسیاری از زحمتکشان آگاه و نخبه های جنبش

کارگری معتقدند که اگر حزب و دیگر سازمانهای چپ متحد شوند، می توانند در جنبش انقلابی کشور بزرگترین سهم را داشته باشند. این نظر چندان اغراق آمیز نیست. یکی از عرصه های مهم فعالیت هسته های حزبی، تلاش برای دستیابی به اتحاد "از پائین" با اعضا و هواداران دیگر نیروهای انقلابی، پیرامون شعارهای مشترک است. تاکنون چند اعلامیه مشترک با اعضا هواداران حزب، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فدائیان خلق (اقلیت)، گروهی از مجاهدین خلق و غیره انتشار یافته است. مضمون این اعلامیه ها مخالفت با ادامه جنگ، افشا جنایتهای رژیم در زندانها و دعوت به اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی است. این نشان می دهد، که حزب در راه ایجاد جبهه متحد خلق همه نیروی خود را بکار انداخته است و فعالیت آن تنها شامل "پالا" نمی شود.

حزب ما کار در میان طبقه کارگر و تلاش برای آگاه و متشکل ساختن آن را مهمترین عرصه مبارزه می داند. در گزارش هیئت سیاسی به پلنوم دیماه ۶۶، بدرستی خاطر نشان شده است: "مبارزان توده ای متشکل در هسته ها و حتی خارج از هسته ها برای فروزان نگاهداشتن شعله های اعتصاب باید نبرد اعتصابی کارگران را سازمان دهند. باید فرد کارگران بدانند که حق گرفتنی است، نه دادنی." حزب مبارزه کارگران را تنها به اعتصاب محدود نکرده است و با توجه به شرایط، اشکال دیگر مبارزه صنفی - سیاسی طبقه کارگر را در مد نظر دارد. در این راستا، تشکیل بسیاری از هسته های مخفی کارگری و تلاش برای تشکیل هسته های جدیدتر نتیجه کارهشیارانه هسته های حزبی در میان طبقه کارگر است. هسته های حزبی در اعتقاد روز افزون جنبش انقلابی در میان کارگران نقش شایسته خود را ایفا می کنند. بی دلیل نیست که عوامل رژیم، در مراکز مختلف کارگری، هر حرکت اعتصابی و اعتراضی را به توده ایها نسبت می دهند. مبارزه پیگیر در راه آزادی زندانیان سیاسی، کمک به خانواده ها، کار در میان زنان و جوانان، تلاش برای تشکیل کمیته های ضد جنگ و غیره از دیگر وجوه مبارزه هسته های حزبی است. کسب خبر در زمینه های گوناگون و غنی تر ساختن رهبری حزب از حیث اطلاعات برای تحلیل مشخص شرایط سیاسی - اجتماعی و در صورت ضرورت انتشار آنها در نشریات حزبی، از وظایفی است که هسته های حزبی از آن غفلت نمی ورزند. در این چارچوب، بیگمان سربازان گمنام حزب طبقه کارگر ایران سهم شایسته ای در اوجگیری جنبش انقلابی کشور دارند و ما اطمینان داریم که این سهم روز بروز افزون تر خواهد شد.

در شرایط کنونی، نظر به اهمیتی که تشکیل جبهه "آزادی و صلح" دارد، تلاش در این راه یکی از وظایف مهم هسته های حزبی و توده ایهاست که بطور منفرد فعالیت می کنند، بشمار می رود. ما اطمینان داریم که هسته های حزبی همه توان خود را در این راه بکار خواهند گرفت. در گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی دیماه ۶۶ آمده است: "هسته های حزبی می کوشند رهنمودهای حزبی را بی کم و کاست بمورد اجرا گذارند. زیرا می دانند که خودداری از اجرای این یا آن موضوع تصویب شده از طرف ارگانهای عالی حزب می تواند ما را از راه اصلی مبارزه منحرف سازد."

شرکت نمایندۀ . . .

اثر آن، بنا به اعتراف رئیس جمهور رژیم، خسارت جنگ فقط در بخش کشاورزی به بیش از ۲۰ میلیارد دلار رسیده است، مهاجرت و آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر در مناطق جنگی و بیکاری بیش از ۵ میلیون نفر، از مواردی بود که توجه شرکت کنندگان را بخود جلب کرد.

سرکوب نیروهای مترقی و فعالان سندیکایی، جلوگیری از ایجاد هر گونه تشکل دمکراتیک کارگری و دهقانی در شهر و روستا توسط حاکمیت ضد خلقی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی و بالاخره، بن بست سیاست کشاورزی رژیم مورد توجه خاص شرکت کنندگان در کنفرانس و بخصوص کمیته آسیایی قرار گرفت.

کنفرانس ضمن حمایت از صلح و خلع سلاح جهانی، امضای قرار داد میان اتحاد شوروی و آمریکا، در دسامبر گذشته، در مورد برچیدن موشکهای کوتاه برد و میان برد، را گام مهمی در جهت تحقق این هدف دانست و خواستار ادامه این مذاکرات تا خلع سلاح عمومی گردید.

کنفرانس ضمن حمایت قاطع از سندیکاهای کارگران کشاورزی، درباره وجود بحران های اقتصادی در کشورهای سرمایه داری و انتقال این بحرانها به کشورهای در حال رشد هشدار داد.

کنفرانس خواهان تثبیت قیمت مناسب برای تولیدات کشاورزی کشورهای در حال رشد در مقابل نوسانات قیمت مواد مورد نیاز این کشورها از کشورهای سرمایه داری گردید. همچنین بحران بیکاری در کشورهای سرمایه داری و کشورهای در حال رشد مورد بررسی همه جانبه قرار گرفت.

کنفرانس خواهان ایجاد سندیکاهای دمکراتیک و جلوگیری از سرکوب فعالان سندیکایی در کشورهای دیکتاتوری و سرمایه داری گردید.

کنفرانس، در اسناد خود ضمن حمایت همه جانبه از جنبش رهایی بخش در کشورهای در حال رشد و جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری، حمایت کامل خویش را از مبارزات مردم فلسطین، تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، و حکومت انقلابی و مردم نیکاراکو و افغانستان و مبارزان آفریقای جنوبی و شیلی مورد تاکید قرار داد.

در بند ۹ "اعلامیه همبستگی با کارگران روستایی و مردم سراسر جهان" آمده است:

"شرکت کنندگان در کنفرانس نگرانی عمیق خود را از درگیریهای نظامی میان ایران و عراق، که خلیج فارس را به یکی از خطرناک ترین کانونهای تنش و انبار اسلحه تبدیل کرده است، ابراز داشتند. بدین ترتیب، ایالات متحده آمریکا می تواند، بایبهره جویی از اتحاد استراتژیک خود با دولت اسرائیل، به توطئه و تجاوز علیه جنبش های آزادیبخش و کشورهای مستقل عرب دست یازند.

"شرکت کنندگان در کنفرانس خواستار خروج بیدرنگ کشتی های جنگی خارجی، بویژه نیروی دریایی ایالات متحده، از خلیج فارس و اجرای سریع قطعنامه ۵۹۸ مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ هستند، که به اتفاق آرا در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسیده است.

۱۲۰ سالگی ماکسیم گورکی

آموزگار توانای زحمتکشان

شوروی، مجموعاً ۱۲۵۰ اثر بجا مانده است. گورکی در ۱۰ ژوئن ۱۹۲۶ در مسکو درگذشت. از برابر پیکره بی‌جان او، در میدان سرخ مسکو، صدهزار نفر کارگر و دهقان، که گورکی از میان آنان برخاسته بود و همه زندگی‌اش به تجسم زندگی سراسر رنج و مبارزه آنان سپری شده بود، به احترام گذشتند. تابوت گورکی بر دوش رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی تا آرامگاه لنین حمل و در کنار او به خاک سپرده شد.

بی‌تردید، ماکسیم گورکی تأثیر گذارترین نویسنده عصر خویش است. آثار او که در همه جهان به زبانهای مختلف ترجمه شده است، صدها میلیون نفر خواننده داشته و مورد تحسین بزرگترین منتقدان ادبی و نویسندگان بزرگ قرار گرفته است. رومن رولان، نویسنده بزرگ فرانسوی درباره وی می‌نویسد: گورکی "مانند دانته از دوزخ نجات یافت، ولی نه به تنهایی. بلکه همه ستمدیدگان را با خود نجات داد". او از گورکی با عنوان "مرشد و آموزگار توانا و نابغه" یاد کرد. آری، زحمتکشان جهان، بویژه آنان که راه مبارزه با ستم را می‌پویند همواره از این مرشد و آموزگار توانا با احترام یاد خواهند کرد. گورکی در قلب مردم زیست و از این پس نیز خواهد زیست.

مجله ماهانه "کار" در لندن منتشر گردید. اقامت او در "کاپری" با کار زیاد توأم بود. سه رمان "مادر"، "تاپستان" و "اقرار" و چندین داستان کوتاه و بلند کارنامه این دوره زندگی گورکی است. پس از بازگشت به روسیه، در فاصله ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸، به آلمان و فرانسه و ایتالیا سفرهایی داشت، و باز هم به قصد افشاکاری و اعتراض. نام ماکسیم گورکی در رده نام آورانترین پیمانگان انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ ثبت است. او در ۱۹۲۱ نیز برای مبارزه با بیماری به ایتالیا سفر کرد و آناری چون "یادداشت‌های یک روزنامه"، "خواندنی‌ها"، "دانشکده‌های من" و "یادبودها" را در ایتالیا نوشت. مرگ لنین، در سال ۱۹۲۴، برای ماکسیم گورکی ضربه سخت و جبران ناپذیری بود. دوره پایانی زندگی گورکی به خلق آثار بزرگی چون "خانواده آرتامانوف"، "زندگانی کلیم-سامکین"، "هدف ادبیات"، "اتحاد جماهیر شوروی" و غیره منجر گردید. از نویسنده بزرگ

۲۸ مارس، ۱۲۰ سالگی ماکسیم گورکی، بنیان‌گذار رئالیسم سوسیالیستی، جشن گرفته شد. دیگر بار، بشریت مترقی در برابر این نویسنده بزرگ شوروی و پیمانگ ادبیات نوین سر فرود آورد.

الکسی ماکسیمویچ پشکوف، که بعدها نام ماکسیم گورکی را بر خود نهاد، در ۲۸ مارس ۱۸۶۸ در نیژنی نووگورود، شهر گورکی امروز، در یک خانواده فقیر کارگری، چشم به زندگی گشود. از کودکی اش، که در تنگدستی و کار طاقتفرسا خلاصه می‌شد، خاطراتی "باور نکردنی" داشت. "تفریح او پس از کار طاقتفرسای روز، مطالعه در پرتو مهتاب بود". او در "مدرسه بزرگ زندگی" همه چیز را آموخت. نوجوانی و جوانی اش در سفرهای گوناگون سپری شد، با تجربه‌هایی بس گرانبها که ذهن خلاقش را به تکاپو وامی‌داشت.

در سپتامبر ۱۸۹۲، "ماکار جیوردا"، اولین داستان‌ش، در مجله "قفقاز"، چاپ تغلیس، نشر یافت و دیری نشد که داستانها و رمانهای دیگرش، در سرتاسر روسیه، نظر برانگیز شد. آشنائی اش با انقلابیون روسیه، به تناوب از سنین ۱۸، ۱۹ سالگی آغاز شد. در اواخر قرن نوزدهم لنین کبیر را شناخت و دوستی تاریخی این دو نابغه بزرگ تا آخرین نفس‌ها ادامه داشت. گورکی در نشریات گوناگون سوسیال-دمکراتها، از جمله "ایسکرا" و "پراودا" قلم می‌زد. در همین دوران، ژنرالی بنام "پوزنانسکی"، در دستگاه حاکمیت تزارها، درباره او چنین گزارش داد: "او برای انقلاب زمینه چینی می‌کند". این گزارش به دستگیری اش انجامید. سپس چند ماه زندان. و این آخرین بار نبود که گورکی زندانی شد. مزدوران تزارهای حاکم بر روسیه همواره چون سایه در پی اش بودند. در سال ۱۸۹۹ "فرماکور دابیف" رمان بزرگ گورکی، و سپس رمان "مرغ طوفان" وی منتشر شد. رمان اخیر جامعه متشنج روسیه را لرزاند. لنین، هیجان ناشی از تأثیر این کتاب را نشانه "نفوذ و رسوخ روح انقلابی" در توده‌ها ارزیابی کرد. انتشار نمایشنامه "خرده بورژواها" موجب تبعید وی به "آرزاماس" شد. در همین جا بود که نمایشنامه "در اعماق اجتماع" خلق شد و تکانی سخت در کانونهای انقلابی و ادبی جهان ایجاد کرد. "در اعماق اجتماع" در تئاترهای بزرگ و معروف دنیا به اجرا درآمد.

در جریان انقلاب ۱۹۰۵ دیگر بار دستگیر و در محکمه نظامی به یک سال حبس محکوم گردید. پس از سرآمدن این یک سال، دوره جدیدی در زندگی ماکسیم گورکی آغاز شد: در ۱۹۰۶ سفر به آمریکا، برای افشای آنچه که در روسیه می‌گذشت. سپس به لندن رفت و در ۱۹۰۷ در کنگره پنجم حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه (بلشویک) شرکت کرد. بیماری سل مسیر بازگشتش به روسیه را به سمت ایتالیا تغییر داد. در سال ۱۹۰۹ در کاپری ساکن شد و با لنین که در آن هنگام در شهر "برونین" اتریش زندگی می‌کرد، مکاتبه داشت. نامه‌ها، با عنوان "بین لنین و گورکی" بعدها در کتابی گرد آمد و در

اعتصاب سه روزه در بند "ملی‌کش‌ها"

"حالا که آزادشان نمی‌کنید، لااقل کتکشان زنید" می‌گویند: "برای ما هر زندانی روزانه دو بیست تومان خرج دارد که بهتر است در چپه هزینه بشود. به این دلیل، ما کسانی را که دوره محکومیتشان تمام شده است با کتک و ادا به مصاحبه خواهیم کرد". برخورد این مدعیان اجرای "عدالت اسلامی" با خانواده‌های زندانیان سیاسی بسیار خشن و غیر انسانی است. تلاش آنها در این است که با ارباب و تهدید خانواده‌ها را از مراجعه به دستگاه‌های قضایی و پیگیری وضع عزیزان دربندشان بازدارند. هم‌اکنون "ملی‌کش‌ها" در وضعیت سخت و طاقتفرسایی پسر می‌پرند. وضع غذا و بهداشتشان بسیار بد است. از پزشک و دارو در این بند کمتر خبری است. در برابر اعتراض‌هایی که می‌شود، می‌گویند: شما دوره محکومیتتان تمام شده و حق اعتراض ندارید. توبه کنید، انزجار نامه بنویسید، ویدئو پر کنید تا رهایتان کنیم. به خانواده‌های "ملی‌کش‌ها" بندرت اجازه ملاقات با عزیزانشان داده می‌شود. رژیم سعی می‌کند که از هر وسیله‌ای برای پزاندن آوردن "ملی‌کش‌ها" سود چوید. ما اعلام می‌کنیم که چنان این فرزندان دربند خلق در خطر است. ما از همه مراجع بین‌المللی و نیروهای مترقی و انقلابی می‌طلبیم که برای نجات چنان این عزیزان تمام امکاناتشان را بکار گیرند.

شرایط غیر انسانی در بند معروف به "ملی‌کش‌ها"ی زندان اوین، سبب شد که در اوائل اسفند ۶۶، زندانیان این بند دست به اعتصاب غذای سه روزه بزنند. مسئولان زندان در برخورد با این اعتصاب سخت وحشیانه و غیر انسانی رفتار کردند. زندانیان را در حیاط گرد آوردند و سبانه کتک زدند. آثار ضرب و شتم بر سر و دست پانددیجی شده و دندانهای شکسته برخی از زندانیان، هنگام ملاقات با خانواده‌هایشان، گواهی بر این واقعیت تلخ بود. گروهی از زندانیان نیز که وضع وخیمتری داشتند، بطور کلی ممنوع‌الملاقات شدند. در بند "ملی‌کش‌ها" کسانی گرد آورده شده‌اند که دوره محکومیتشان پایان یافته است، اما چون حاضر نیستند که توبه نامه بنویسند، تعهد بدهند و یا در مصاحبه ویدئویی شرکت کنند، از زندان آزادمی‌شوند. مسئولان قضایی ج.ا.، در پاسخ به اعتراض خانواده‌های زندانیان سیاسی، اعلام کرده‌اند که بدون نوشتن انزجارنامه و شرکت در مصاحبه ویدئویی به هیچ یک از زندانیان یاد شده اجازه خروج از زندان داده نمی‌شود. آنان رسماً تهدید کرده‌اند که "از هر وسیله‌ای" برای ادا و ساختن زندانیان به انجام خواسته‌های رژیم استفاده خواهد شد. مسئولان قضایی ج.ا. در پاسخ به این خواست درآمیز مادران رنجیده که

سرنگون باد رژیم آزادی‌کش

و جنگ طلب "ولایت فقیه"

گزارش رسیده

ما به جبهه کمک نمی‌کنیم! ما جنگ نمی‌خواهیم!

در صف روزنامه

- خانم، شاد در "جهاد مالی" شرکت کرده‌اید؟
- ای بابا، دست رودم نگذار که خونه
- چرا؟

خانم جوان، که ۲۰ ساله به نظر میرسد و چهره اش حکایت از جنوبی بودنش دارد، سردرد دلش باز میشود:

"۱۳ سال است که ازدواج کرده‌ام. چهار فرزند دارم، بزرگترینش ۱۱ ساله است، هر چهار تا به مدرسه می‌روند. شوهرم سرگرد ارتش است. در اهواز خدمت میکند و هر دو ماه یکبار چند روزی به تهران می‌آید. ماهی ۱۰ هزار تومان حقوق میکشد که کفاف خرج و زندگی را نمیکند. سال پیش تصمیم گرفتم همراه او به اهواز بروم، اما بعد از هشت ماه ناچار شدیم که برگردیم. بچه‌ها در این مدت فقط یاد گرفتند که چه وقت باید به

پنجاهگاه بروند. از بس صدای پهپارن و هواپیما و آژیر بود، دو تا از بچه‌هایم ناراحتی عصبی گرفته‌اند. هر روز به کمک قرص اعصاب بچه‌هایم را به مدرسه می‌فرستم. خودم تا نیمه‌های شب خواب نمی‌بردم. واقعا اداره زندگی به تنهایی مشکل است. از ۱۰ هزار تومان حقوقی که می‌گیریم، ماهی ۵ هزار تومانش را کرایه خانه می‌دهیم، آن هم در "آذری". مشکل مسکن واقعا مشکل بزرگی است. هیچ کس حاضر نیست به خانواده‌ای با چهارتا بچه خانه کرایه بدهد. با بقیه حقوق، هم مسرم در اهواز و هم من و بچه‌ها در تهران باید امورمان را بگذرانیم. فکرش را بکنید! با این گرانی و مخارج سنگین چطور میشود حتی شکم بچه‌ها را سیر کرد؟ از روی بچه‌هایم خجالت میکشم. جمهوری اسلامی هر روز کیسه گدائی‌اش را پهن میکند. در مدرسه از بچه‌ها اخاذی میکنند. هر روز به نحوی. من بیچاره نمیدانم باید چه کنم؟ در مدرسه با بچه‌هایی که پول نمیدهند و یا کم میدهند خیلی پدرفتاری می‌شود. مخصوصا بچه‌هایی را که زیادتر پول میدهند صرف تشویق می‌کنند تا بچه‌های دیگر با اصطلاح سرگیریت بپایند و پدر و مادرها را مجبور کنند که پول بدهند. از یکطرف، از همین چندرغاز حقوق شوهرم، ماه پیش دو هزار تومان برای با اصطلاح کمک به جبهه به زور کم کردند. از طرف دیگر بچه‌ها را بچان ما می‌اندازند..."

بالاخره پس از سه ربح معطلی در صف روزنامه، "کیهان" رسید و مردم با شتاب روزنامه‌ها را خریدند تا ببینند در جبهه‌ها چه خبر است و چه به سر عزیزانشان آمده است. خانم جوان نیز در انبوه مردم پریشان راهش را گرفت و رفت...

در صف گروشت

پیرزن تکیده‌ای است. ۶۰ ساله به نظر می‌رسد. تنها زندگی میکند. می‌گوید:

"از وقتی که فهمیدم اینها (منظور رژیم است)

چه پدرسوخته‌هایی هستند، یک شامی کمک نکرده‌ام و نمی‌کنم. خدا ریشه‌شان را ورپندازه. من از این رژیم نفرت دارم. هر کجا که باشد این حرف را می‌زنم. هندست دزدها هستند. تا آنجا که بتوانند مردم را به پهانه‌های مختلف میچاپند، وقتی هم نتوانند دزد می‌فرستند به خانه آدم. چند روز پیش، ساعت ۹ شب خانه من (در خیابان ۱۶ آذر) را دزد زد و هر چیز پدرد بخوری را که برد. به کلانتری شکایت کردم. پس از تحقیق، معاون کلانتری گفت: خانم، کار کمیته چی‌هاست. لابد هر شب که توی خیابانها گشت می‌زنند خانه‌ای خالی را زیر نظر می‌گیرند و نشانی آنها را به "برادران" دزدشان میدهند که در موقع مناسب بپایند و داروندار مردم را غارت کنند. خدا..."

در اتوبوس

این خانم لیسانس زمین شناسی است و ۲۸ سال دارد. می‌گوید: "من و شوهرم، هر دو فارغ التحصیل سال ۵۹ هستیم. دو فرزند داریم. در این مدت، از بیکاری پدرمان درآمده است. اخیرا شوهرم در شهرستان کار گرفته. من و بچه‌هایم در تهران زندگی میکنیم. دلان امریکائی مدت‌ها می‌گشتند دنبال رژیمی که اسلحه‌های پنجل را آب کند. حالا اینها، پراحتی و باچند پراپر قیمت از آنها سلاح می‌خرند. نهایتا گول ژست‌های ضد امریکائی رژیم را خورد. هارت و پورت‌هایی که در خلیج فارس پراه می‌اندازند به نفع امریکاست. من حاضر نیستم یک شامی به این رژیم کمک کنم. هر وقت بچه‌ام می‌گوید که مدرسه برای کمک به جبهه پول خواسته است، می‌گویم: بگو که پدرم هنوز از مسافرت نیامده، مادرم هم پول ندارد. امسال برای ثبت نام بچه، از من هزار تومان پول خواستند، گفتم ندارم که بدهم. بالاخره به ۲۰۰ تومان راضی شدند..."

اتوبوس در ایستگاه توقف می‌کند و گوینده، که تازه سر درد دلش باز شده است، ناچار با هزاران حرف ناگفته پیاده می‌شود.

در صف شهر

این خانم خانه‌دار است. پنجاه ساله به نظر می‌آید. شوهرش کارمند بانک است. می‌گوید:

"آخرین ته‌مانده‌های چیب‌های مردم را دارند خالی می‌کنند تا اسلحه بخرند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم مجبوریم به جبهه کمک کنیم. شوهرم کارمند است و هر برج اچهارا از حقوقش کسر می‌کنند. امیدوارم هر چه زودتر ساقط بشوند تا جوان‌های ما پیش از این پریر نشوند. در مدرسه دخترم هر یکشنبه آش درست می‌کنند. اسمش را گذاشته‌اند آش کمک به جبهه. یک کاسه کوچولوی آش ۵ تومان و گاهی ۱۰ تومان. دخترم می‌گوید: مامان پول بده. این آش خیلی

خوشمزه است. یک بار پرایش چگرم سوخت و پول دادم ولی به او گفتم: با این پول‌ها اسلحه می‌خرند و چون‌های بیگناه را به کشتن می‌دهند. دخترم زل زل به من نگاه کرد و گفت: ولی معلم دینی ما این را نمی‌گوید. او می‌گوید حتما مادر تو خیلی خسیس است..."

خانم خانه‌دار مشت به سینه‌اش می‌کوبد و نفرین می‌کند.

در اداره مخابرات

این آقا دبیر بازنشسته است. می‌گوید:

"گمان نمی‌کنم کسی پیدا بشود که پادل و چان به این‌ها (رژیم) کمک کند، مگر آنکه از نوکران خودشان باشد. و یا کسانی که از این چنگ سود می‌برند. یکی از بستگان من تاچر پارچه است. خیلی هم خشکه مقدس تشریف دارد. او هر چند وقت یک بار مبلغ هنگفتی به جبهه کمک می‌کند. از یک دست می‌دهد و از دست دیگری پراپرس می‌گیرد..."

در تاکسی

راننده تاکسی می‌گوید:

"ما را مجبور می‌کنند که کمک کنیم. اتحادیه تودست خودشان است. اگر کمک نکنیم سهمیه اچناس را که باید برای تاکسی بگیریم، به ما نمی‌دهند. تازگی‌ها کلی راننده تاکسی "حزب الهی" پیدا شده‌اند که مواظب مردم باشند. کارشان خهرچینی است. با تمام این احوال، این‌ها رفتنی هستند..."

پای دیگ "آش پشت پا"

همسریک پینه دوزاست. پسرش را به سرپازی برده‌اند. برای او آش پشت پا پخته است. می‌پرسم:

- چطور راضی شدی که پسررت را به سرپازی بپزند؟

پا گریه می‌گوید:

"خانم چان چکار کنم؟ دو سال نگذاشتم برود. گفتم شاید چنگ تمام بشود. اما بیکاری او پدرمان را درآورد. با پینه دوزی نان بخور و نیبری هم در نمی‌آید. پسرم خیلی ناراحت بود. می‌گفت: کشته شدن توی جبهه بهتر از دزدی و بیکاری است. الهی کور شوند آنهایی که نمی‌گذارند چنگ تمام بشود. پیشرفها جوان‌های مردم را می‌گیرند، تازه می‌گویند بیابید کمک مالی کنید. صنارم نمی‌دم کوفت کنند."

در بیمارستان

این خانم پرستار است. در قسمت واکسیناسیون بیمارستان کار می‌کند. می‌گوید:

"از صبح تا شب با مردم محروم سروکار دارم. مرتب با آنها صحبت می‌کنم. تقریبا اکثریت

"بیانیه نوروزی انجمن..."

در این کبیر و دار وحشت و مرگ بازم ما و جگر گوشگان مادر کارگاه و کارخانه و مزرعه و مدرسه و بازبر سرپناه محقر خود نابود می شوند. این چه باصطلاح شهادتی است که باید صرفا نصیب زحمتکشان ستم دیده* کشور گردد و بهره کشان و زراندوزان از آن سهمی نداشته باشند و روز بروز نیز بر مال و ثروت آنان افزوده گردد؟

در این سالهای جنگ طولانی ثابت شده است که ادامه* آن برای هیچیک از دو طرف درگیر پیروزی نظامی به بار نخواهد آورد و صرفا امپریالیسم و صهیونیسم و دیگر مرتجعان و سوداگران، از آن سود می برند. حکام ایران و عراق، کماکان به این فاجعه* هستی برانداز ادامه می دهند و تا کنون کوششهای مجامع بین المللی و سازمان ملل متحد را درباره* استقرار آتش بس و اجرای قطعنامه* ۵۹۸، معلق گذاشته اند.

ما از همه* هم میهنان زحمتکش شهر و روستا می خواهیم که عرصه های کار و زندگی خود را علیرغم فشار رژیم به قصد اعزام آنها به جبهه ها ترک نکنند و به مبارزات ضد جنگ و سختی بیشتری بکشند. در حالیکه با صد خون جگر لقمه نانی فراهم می کنیم نباید دیناری برای مصارف جنگ بهر داییم. باید جهاد مالی و جانی را با شکست کامل روبرو سازیم. بیکاری و زندان و مرگ در مبارزه علیه حاکمیت جنگ افروز، به مرگ در جبهه های جنگ توسعه طلبانه و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی، ترجیح دارد.

کارگران و زحمتکشان سخت کوش و مبارز!

تجربه* سالیان در از زندگی توام با مبارزه به ما ثابت کرده است که دشمن چه در واحدهای کار و زحمت بصورت کارفرما و بهره کش و چه در عرصه* حاکمیت مدافع ملاکان و سرمایه داران بزرگ، هیچگاه بدون مبارزه* متحد و یکپارچه در مقابل

قریب به اتفاقشان از وضع ناراضی هستند. وقتی پای سرکیسه شدن در میان است، از خود واکنش منفی نشان می دهند. آه در بساط ندارند که با ناله سودا کنند. هیچ کس دلش نمی خواهد دیناری پول برای این جنگ لعنتی بدهد. مگر آنکه به زور از حقوقشان کسر کنند. از این دلم می سوزد که اسم این کسر حقوق چهاری را می گذارند کمک به چپه..."

گزارشگر می نویسد:

اینها مشت نمونه خروار است. من با آدم های زیادی، از کارمند و کارگر و پیکار تماس گرفته ام. بخصوص با زنان. همه آن ها "جهاد مالی" را مسخره می کنند. از میان همه کسانی که با آنها تماس گرفتم، تنها یک خانم آموزگار که پسرش در کنکور قبول شده بود، می گفت: باید کمک کنیم. "همین کمک ها و دعاها باعث شد که امسال پسرم قبول بشود و به چپه نرود". در واقع این خانم آموزگار با شرکت در مراسم "دعای کمیل" و کمک های نقدی توانسته بود یک تیر و دو نشان بزند. هم پسرش به چپه نرود، هم در کنکور "قبول" بشود.

خواسته های حق طلبانه تسلیم نشده است. اضافه دستمزد و عیدی ناچیزی که اخیر اعلام شده در عین حال که چهره* زشت و ضد کارگری رژیم را در محروم کردن صدها هزار کارگر و زحمتکش شهر و روستا، از این مزایا بیبانه* عدم شمول قانون کار نمایان تر می سازد، وحشت آنان را از کارگران مجتمع در واحدهای بزرگ تولید و خدمات که مشمول قانون کار هستند نیز به اثبات می رساند. ما باید به دفاع از یاران زحمتکش و محروم و میلیون ها کارگر بیکار شده برخیزیم و مبارزه* پراکنده* آنان را ست داده و به صفوف خود جلب نمائیم. موفقیت نسبی در این مبارزه توطئه های وسیعتر رژیم علیه زحمتکشان را خنثی خواهد ساخت. ما قدرت اتحاد و همبستگی خویش را از مطالبات ابتدائی صنفی تا عالی ترین خواست سیاسی یعنی سرنوشتی نظام وابسته* شاهنشاهی در این دوران اخیر به اثبات رساندیم. با توجه به کشتار و ستم وسیعی که حاکمیت "ولایت فقیه" برای ما فراهم کرده است، لزوم مبارزات متحد و یکپارچه علیه این نظام ضد بشری بیشتر احساس می شود.

ما با استفاده از تجربیات گذشته باید از مبارزات مخفی بصورت هسته های پراکنده گرفته تا مبارزات علنی و دستجمعی و تلفیق ماهرانه* این دو شیوه* مبارزه راههای دشوار و پر پیچ و خم دستیابی به هدفهای بزرگ ذکر شده را هموار سازیم.

می دانیم که مبارزه* ما برای دستیابی به حقوق صنفی که توسط رژیم نقض شده، از احیای مجدد تشکلهای سندیکائی تا حضور نمایندگان واقعی این تشکلهای در مراجعی که نسبت به سرنوشت کارگران تصمیم گرفته می شود، بخشی از این مبارزات است که در عین حال از مبارزه* سیاسی برای خاتمه* جنگ که هستی ما را می بلعد، جدا نیست. همزمان با مبارزه در راه تحقق این خواستها، می بایست نسبت به تدوین قانون کاری تاکید و رژیم که کلیه* دستاوردهای فداکارانه* نهضت کارگری جهان در آن انعکاس یابد. با توجه به اینکه حقوق مکتسبه* ذکر شده در مجامع معتبر بین المللی رسیت یافته و بصورت مقاله نامه و توصیه نامه و اسناد دیگر به کشورهای مختلف جهان از جمله ایران ابلاغ گردیده، ما باید دولت را مجبور به اجرای این دستاوردها کنیم.

بدون تردید حاکمیتی که این حقوق را پایمال کرده است مثل همه* حکام مدافع زور و سرمایه، کماکان به سرکوب مبارزات ما متوسل می شود. استفاده از اعتصاب که آن هم از حقوق مکتسبه* ما کارگران است، به همراه سایر اشکال مبارزه و دقت در اجرای درست و بموقع آن، می تواند رژیم را به عقب نشینی هائی مجبور سازد. همانطور که گفتیم مبارزه برای استقرار صلح و آزادی برای عموم مردم و همچنین زندانیان سیاسی قهرمان که آنها نیز بخاطر اجرای همین هدفها به بند و زنجیر کشیده شده اند، به مبارزات ما شدت و وحدت بیشتری می بخشد و طبعاً آهنگ سیاسی حادی پیدا می کند که رویارویی قهری با رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی را به همراه خواهد داشت. این چشم انداز کلی که اینجا و آنجا

می تواند تغییراتی در تجلی اراده و همبستگی کارگران و زحمتکشان میهن بوجود آورد، مبارزه در واحدهای کار و زحمت، تا فراروشی آن به جنبش وسیع مبارزات توده ای علیه رژیم رادبر می گیرد. بیشتر توجه کنیم که نجات و رهائی توده های میلیونی جامعه به این مبارزات وابسته است که احتیاج به تلاش شبانه روزی و سازمانگرا نه به همراه فداکاری و از جان گذشتگی ما دارد. بکوشیم در راه تحقق این آرمانهای مقدس از پای ننشینیم.

کارگران، زحمتکشان!

ماضن عرض تبریک و شادباش مجدد نوروزی به شما و خانواده هایتان، توفیق در مبارزات حق طلبانه به همراه آسایش و رفاه برایتان آرزو می کنیم. امیدواریم نوروز آینده را با بر خورداری از نعمت آزادی، صلح و عدالت اجتماعی برگزار کنید.

در حالیکه ما ایرانیان بهترین آداب و سنت ها را برای شکوفائی هر چه بیشتر زندگی و زیبائیشا داریم، که نمونه هائی از آن در اعیاد ما بویژه عید نوروز بچشم می خورد، سیاه دلان مرتجع حاکم بر کشور هر نوع مراسم نشاط و شادی را از ما گرفته اند و صرفا اجرای مراسم عزاداری و ماتم را برای ما آزاد گذاشته و روز بروز بر دامنه* آن می افزایند. این فشار و اختناق سنگین بر جامعه خود نمودار احتضار حاکمیت جنایتکار "ولایت فقیه" است. علیرغم همه* تضییقات و مصیبت هائی که دشمن بما تحمیل کرده، کوشش کنیم مراسم آغاز بهار فرجبخش و نوروز باستانی را بنحو احسن برگزار کنیم.

از هم اکنون برای برگزاری مراسم رزمجویانه* جشن اول ماه مه، خود را آماده سازیم. با تمام قوا برای تعطیل عمومی و رسی روز ۱۱ اردیبهشت و آزادی مراسم برگزاری جشن توسط کارگران و زحمتکشان، مبارزه کنیم. زیر بار برنامه های دولت و یا انجمنهای سرکوبگر اسلامی و سایر نهادهای مربوط به رژیم در خصوص اجرای این مراسم، نرویم. ما باید مراسم جشن اول ماه مه را که تجلی اراده و همبستگی زحمتکشان در مقابل بهره کشان و ستمگران است با عظمت خاص خود که تعهدات و میثاقهای رزمجویانه* ما را در خود دارد، از هم اکنون تدارک ببینیم. بکوشیم با بودجه* ضعیف خود صندوقهای اعتصاب و هیباری را رونق بخشیم. برای هزینه های چاپ و تکثیر اعلامیه و سایر انتشارات مربوط به جنبش و تهیه* وسایل چسباندن تراکتهای ضد جنگ و غیره در دیدگاههای عمومی، تا حد ممکن بودجه ای فراهم سازیم. ما به پیروزی راه و رسمی که انتخاب کرده ایم، اطمینان داریم.

زنده باد همبستگی پایدار کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!
برچیده باد بساط رژیم جنگ طلب و ضد مردمی جمهوری اسلامی!
انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان

* *

نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

تحریم انتخابات یک عمل انقلابی است

به اصطلاح انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی روز نوزدهم فروردین برگزار خواهد شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران این انتخابات فرمایشی را طی اطلاعیه ای تحریم کرد. البته این یک تحریم انقلابی بود که موافق آن اعضا و هواداران حزب وظیفه داشتند به گونه ای فعال در توضیح علل آن و پرده برداشتن از ماهیت ضددمکراتیک "انتخابات" شرکت جویند.

هفته گذشته "ستاد انتخابات کشور" اعلام داشت که وزارت کشور "با هرگونه تحرکی که به منظور ایجاد تردید در مردم و سلب شرایط لازم از آنان (۱) صورت گیرد" برخورد شدید خواهد کرد. از این برخورد تهدید آمیز، آنهم در یک اطلاعیه رسمی دولتی، باید نتیجه گرفت که فعالیت نیروهای مترقی در راستای رسوا کردن مضحکه "انتخابات" برای توده های زحمتکش نتایج مثبتی داشته و متولیان آن را دچار نگرانی کرده است.

خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و دیگر گردانندگان رژیم که این روزها سخت به تکاپو افتاده اند، برای مردم پیام می فرستند، سخنرانی می کنند و فتوا می دهند، و می کوشند یک شوخی تلخ را شیرین و انوس سازند، همگی پی برده اند که مردم، پریایه تجربیات چندساله اخیر، انتخابات فرمایشی دوره سوم مجلس را چندی نمی گیرند و این "خطر" وجود دارد که بی اعتنائی انتخاب کنندگان در انتخابات میان دوره ای، این پاردمقیاس وسیعتری تکرار گردد.

رژیم بی توجهی مردم به "انتخابات" را نه ناشی از ماهیت ارتجاعی و ضددمکراتیک نظام قرون وسطایی "ولایت فقیه" و مسلوب الاختیار بودن مجلس، بلکه تنها مربوط به فعالیت نیروهای مترقی به منظور ایجاد تردید در مردم می داند و از این رومی کوشد تا چتر اختناق را تا آخرین حد ممکن بکشاید و زمینه "هرگونه تحرک" در جامعه را مسدود کند.

ارگان های سرکوبگر از مدت ها پیش زیر نظر "وزارت اطلاعات" دست به اقدامات گسترده ای زده اند. نیروهای تا دندان مسلح و گشت های گوناگون علنی و مخفی داشا در کوچه و خیابان و در محیط های کار و زندگی پرسه می زنند تا رعب و وحشت ایجاد کنند. در ادارات دولتی، کارخانه ها، دبیرستان ها و دانشگاه ها، در محله های شهرها، روستاها و مراکز بخش و خلاصه در هر جایی که از انسان های پانزده ساله به بالا نشانی هست، عوامل رژیم تلاش می کنند با تهدید و تطمیع، آنان را به پای صندوق های رای بکشانند. حتی پنا به "سنت دیرینه" موسوم در جمهوری اسلامی، مردم را مستقیم و غیر مستقیم تهدید می کنند که اگر شناسنامه هایشان از مهر انتخابات تهی باشد، پسرشان تمام خواهد شد. اما واقعیت ها نشان می دهد که تهدید و تطمیع نمی تواند کار ساز باشد و تهلیفات توخالی سران

۴۵ سال نبرد در راه...

تاریخ مبارزات مردم ما جاویدان گردیده است. جوانان توده ای در طول چهل و پنج سال مبارزه مصدر خدومات بی شماری به جنبش دمکراتیک جوانان و مردم ما بوده و هستند:

مبارزه علیه فاشیسم؛

دفاع جانانه از جنبش های مردمی خلقهای آذربایجان و کردستان؛

مبارزه* پیگیر در راه ایجاد تشکلهای صنفی جوانان و دانشجویان علیه استعمارگران انگلیسی و آمریکائی و در راه ملی شدن صنعت نفت ایران؛

مبارزه علیه کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دفاع از جنبش انقلابی زحمتکشان میهنان؛

مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری و وابسته شاه برای سرنگونی آن و استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک؛

شرکت فعال در انقلاب مردمی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی بهمن ۵۷؛

مبارزه در راه تعمیم و گسترش دستاوردهای انقلاب و در راه تحقق حقوق صنفی-سیاسی جوانان و دانشجویان؛

مبارزه علیه خائنان به هدفهای انقلاب بهمن و در راه سرنگونی رژیم آزادی کش و جنگ طلب "ولایت فقیه".

این تنها نموداری است از تاریخ سراسر رزم و پیکار سازمان جوانان توده* ایران در راه بهروزی زحمتکشان و جوانان میهنان، در طول چهل و پنج سال گذشته، سازمان جوانان توده* ایران در برهه هایی از زندگی خود در عرصه* نشر و بسط افکار مترقی و پیشرو در میان جوانان مترقی ایران نقش اصلی و تعیین کننده را داشته است. انتشار ده ها نشریه* پربار و متعدد مانند "رزم"، "حقیقت پیروز خواهد شد"، "آیندگان"، "جوانان دمکرات" ... و "آینده" و ده ها کتاب در زمینه های مختلف سیاسی و اجتماعی در چهار دهه* گذشته از جمله تلاشهای سازمان ما برای آگاه کردن نسل جوان کشور بوده است. بی دلیل نبود، که ارتجاع از شاه گرفته تا سران مرتجع جمهوری اسلامی در سیمای جوانان توده ای دشمنی پیکارگر و خطرناک را می دیدند و از

رژیم نیز نتایج معکوسی بهار می آورد.

در "انتخابات" دوره سوم مجلس شورای اسلامی، ملاحظات ریاکارانه انتخابات پیشین را دیکر آشکارا کنار گذاشتند و احزاب و سازمان ها و گروه های سیاسی را علنا از حق معرفی کردن نامزدهای انتخاباتی محروم ساختند. همچنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است: "مردم نه حق انتخاب کردن دارند و نه حق انتخاب شدن". رژیم این حقوق را در تیول خویش قرار داده است. انتخاب کنندگان باید به کسانی رای بدهند که "صلاحیت" آنان مورد تایید حاکمیت ارتجاعی "ولایت فقیه" قرار گرفته باشد. در این خیمه شب بازی فقط "پرگزیدگان" شورای نگهبان" یعنی پاسداران کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، حق انتخاب شدن دارند. یکی از

همه* امکانات جهنمی خود در راه ضربه زدن و یا نابود کردن سازمان ما بهره گرفتند. یورشهای وحشیانه* ارتجاع در مقاطع مختلف به سازمان ما سبب نابودی گروهی از بهترین و برانزده ترین جوانان میهن ما گردید، ولی سازمان ما هیچگاه از نبرد در راه بهروزی زحمتکشان روی بر نتافت و همواره با گامهای استوار به مبارزه ادامه داد.

جوانان مبارز و آگاه!
چهل و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان ما در شرایطی فرا می رسد که رژیم در بحران عمیقی دست و پا می زند. فشارهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ و سیاست ضد مردمی و ضد ملی حاکمیت از یکسو و رشد جنبش توده ای در مقابله با حکام مرتجع جمهوری اسلامی از سوی دیگر نویدبخش اوجگیری مبارزه* توده های زحمتکش است. در این میان، نقش جوانان و دانشجویان، همانطور که انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد، در صورتیکه با جنبش عمومی خلق پیوند بخورد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جوانان و دانشجویان در طی سالهای اخیر به تجربه* عینی عق دورویی و خیانت رژیم "ولایت فقیه" را دریافته اند و آمادگی بیشتری برای پیوستن به صفوف مبارزه از خود نشان می دهند.

بن بست کامل رژیم در زمینه* سیاست ضد- انسانی "جنگ جنگ تا پیروزی"، که منجر به تلفات عظیم جانی و مالی برای مردم ما گردیده است، افشا شدن افتضاح معاملات مخفی اسلحه با دولت ریگان و اسرائیل در میان گرد و غبار شعارهای ضد آمریکایی، تشدید مبارزه در بین جناح های گوناگون حاکمیت و بالاخره تشدید فشارهای اقتصادی، خصوصا بر خانواده های زحمتکش، زمینه های مساعد عینی را برای تشدید مبارزه* ما پدید آورده است. در لحظات حساس کنونی، که مردم ستم دیده* میهن مادر بند اختناق و درگیر جنگ ایران و عراق هستند، تشکل همه* نیروهای هوادار آزادی و صلح در یک جبهه* وسیع می تواند بی شک جامعه* ما را از بن بست کنونی خارج کند و راه

»

مهمترین ویژگی های بخشی از این دستچین شدگان "شورای نگهبان" اعتقاد کورکورانه به حاکمیت مطلقه "ولی فقیه" یعنی دیکتاتوری فردی است و بخش دیگر آنان تنها تا این حد با خمینی اختلاف نظر دارند که می گویند "ولی فقیه" فقط در چارچوب "روایات" و "احادیث" حق مأمور دارد و نهایتا از آنها فراتر نهد.

روشن است که چنین "نمایندگانی" نمی توانند نظر مثبت زحمتکشان را جلب کنند، بخصوص که حتی پس از سردرآوردن از صندوق آراء تقلبی، تازه در برابر شورای نگهبان انتصابی آلت دستی پیش نیستند و تنها به اعتبار "ولی فقیه" حق قانونگذاری دارند!

حزب ما پدرستی از مردم خواسته است که "با تحریم انتخابات فرمایشی مجلس" گامی در راه دفاع از آزادی های سیاسی و اجتماعی بردارند.



گزارش از مبارزه کارگران "ایران تایر"

کارگران "ایران تایر" توانستند با مبارزه پیگیر، دکتر عارف آذر، مدیر عامل کارخانه، را اخراج کنند. مبارزه کارگران که از شهریورماه ۶۵ آغاز شد و بیش از یک سال تداوم داشت، با حرکتی اعتراضی شدید توأم بود. حتی در یک مقطع زمانی می‌رفت که به برخورد مسلحانه با سپاه عوامل مزدور رژیم بینجامد. زمینه‌ساز اعتراض‌های کارگران "ایران تایر" کاهش شدید تولید، خطر توقف کار و اخراج، دست نیافتن به خواستهای صنفی و برخوردهای ضد کارگری مدیر عامل بود.

در بدو امر، کارگران چند بار به اعتراض جمعی پرداختند و خواهان افزایش تولید و تامین خواستهای صنفی خود شدند. اما مدیر عامل حتی حاضر به پذیرفتن "شورای اسلامی کار" کارخانه نشد. بدنبال این ماجرا، کارگران خشمگین جلوی دفتر مدیر عامل تجمع کردند و چون با برخوردهای غیر انسانی و تحقیرآمیز روبرو شدند، او را با کتک مفضل از کارخانه بیرون انداختند. "بنیاد مستضعفان" (مالک کارخانه) با کمک دادستانی مستقر در این بنیاد و عوامل کمیته، در میان موج اعتراض کارگران، مدیر عامل را به کارخانه بازگرداندند، سپس ۶ نفر از کارگران را به اتهام مضرّب ساختن وی اخراج کردند. فردای آن روز کارگران با سازماندهی یک حرکت اعتراضی شدید، حتی بسیج کارخانه رانیز با خود همراه کردند و ۶ نفر کارگر اخراجی را بر سر کار بازگرداندند. مدیر عامل از عوامل سرکوبگر تقاضای کمک کرد. همزمان، ماموران سپاه، کمیته، نماینده‌های وزارت

پیشرفت بسوی تحقق آماجهای ملی و دمکراتیک در کشور ما را بکشاید. جوانان توده‌ای!

ارتجاع قرون وسطائی حاکم مانند سلف شاهنشاهی خود خیال می‌کرد با به بند کشیدن هزاران تن از بهترین فرزندان این مرز و بوم قادر خواهد شد مبارزه ما را در راه بهروزی زحمتکشان متوقف و با شکست روبرو کند. ولی سپر حوادث و مبارزه حماسی و پیگیر شما، پس از یورش وحشیانه ارتجاع، برای بازسازی سازمان و ارگانهای تبلیغاتی آن خیلی زود خام بودن این خیال‌ها را عیان ساخت. مبارزه ما در شرایط دشوار ترور و اختناق سپاه حاکم، علیه سرکوب همه تشکلهای صنفی - سیاسی جوانان و دانشجویان، علیه اعزام اجباری جوانان و دانشجویان به جبهه‌های جنگ ایران برپاداده، علیه سرکوب حقوق زنان، برای پایان فوری جنگ آزادی همه زندانیان سیاسی و استقرار عدالت و آزادی در جامعه هر روز حقانیت آرمانهای ما را روشن‌تر و نیروهای هر چه بیشتری را به صفوف مبارزه مشترک در راه این آرمانها جلب می‌کند. باید همه امکانات را در جهت هر چه وسیع‌تر کردن صفوف مبارزه برای سرنگونی نظام "ولایت فقیه" بکار گرفت. پخش وسیع "آینده"، ارگان سازمان جوانان توده ایران، در میان جوانان و دانشجویان به منظور بسیج و آگاه ساختن آنان، سازماندهی هسته‌های مخفی در دانشگاه‌ها و کارخانجات و کمک به ایجاد و گسترش انجمن‌ها و کمیته‌های ضد جنگ از جمله وظایف تاخیرناپذیر ما در شرایط دشوار و حساس کنونی است.

رفقا!

در چنین اوضاع و احوالی باید با روح والای رزمندگی و ایثار، جرات انقلابی، روشن بینی، و انضباط پذیری پولادین به زیر درفش کاپوئی آموزشی خود، حزب توده ایران گرد آئیم. لحظه‌ای نباید فراموش کرد که ما سازمان جوانان حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران هستیم و نیرو و شکست ناپذیری ما در پیوند استوار ما با طبقه کارگر ایران و حزب اوست. لحظه‌ای نباید فراموش کرد که ما باید با فداکاری درفشی را در امتراز نگهداریم که حیدر عموغلی‌ها، ارانی‌ها، روزبه‌ها، سیامک‌ها، وارطان‌ها، تیزابی‌ها، حکمت جوها، افضل‌ها و کبیری‌ها و عطاریان ما به ما سپرده‌اند. بایسته است که با عزمی استوار و پیکارجویانه در راه خدمت به خلق و فرزند راستین آن، حزب توده ایران، زاد روز سازمانمان را جشن بگیریم و عهد و پیمان خود را در مبارزه دشوار و بی شک پیروزمانده‌ای که در پیش داریم تازه کنیم.

جاودان باد خاطره شهدای توده‌ای و همه شهدای راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی! درود آتشین بر زندانیان سیاسی ایران!

برقرار باد جبهه آزادی و صلح! پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم آزادی کش و جنگ طلب "ولایت فقیه"!

سازمان جوانان توده ایران
اسفند ماه ۶۷

اطلاعات و دادستانی برای سرکوب کارگران به کارخانه یورش بردند. کارگران، که برای تامین خواستهای خود به سیم آخر زده بودند، در محل کارخانه سنگربندی کردند تا به مقاومت مسلحانه دست بزنند. عوامل رژیم که اوضاع را ناچور می‌دیدند، ناگزیر از عقب نشینی شدند. قرار شد برای ختم ماجرا مدیر عامل، مسئول حراست کارخانه و ۶ نفر کارگر، جملگی اخراج شوند و نماینده وزارت اطلاعات در کارخانه مستقر شود.

روشن بود که این تمهید مورد رضایت کارگران نبود. آنان علیه اخراج همکاران خود به مقاومت پرداختند. ابتدای نشتی شورار و اوار کردند که تا هنگام بازگشت همکاران اخراج شده زمین به پرداخت حقوق کامل آنان رافراهم کند. پس از دو ماه، ۴ نفر از اخراج شدگان با پیگیری همکارانشان به کارخانه بازگشتند و دو نفر دیگر، در حالیکه حقوقشان همه ماهه پرداخت می‌شد، در مهر ماه سال ۶۶ به کار بازگشتند. مبارزه کارگران "ایران تایر" برای تامین خواستهای خود همچنان ادامه دارد.

عارف آذر، مدیر عامل اخراج شده "ایران تایر" به عنوان استاد در دانشکده پلی تکنیک ادامه کار می‌دهد و سرپرستی بخش حراست این دانشکده را نیز برعهده دارد.

اعتصاب کارگران خیاط "شهید صدوقی"

۲۵ آذر ۶۶، کارگران کارگاه خیاطی شرکت بزرگ "شهید صدوقی" با هزار نفر پرسنل، در جنوب تهران، اعتصاب کردند. کارگران این کارگاه، سه ماه متوالی حقوق دریافت نکرده بودند و اعلام کردند که تا هنگام دریافت طلب معوقه به اعتصاب ادامه خواهند داد. مسئولان کارگاه بدست و پا افتادند و تلاش کردند که کارگران را به سرکار بازگردانند، اما موفق نشدند و پس از پنج ساعت ناگزیر شدند که به خواست کارگران اعتصابی تن بدهند. در این کارگاه کاپوش و بادگیر برای سپاه پاسداران تولید می‌شود و مدیریت آن با شخصی بنام "اندرزگو" است.

نیروهایش از افغانستان استقبال کرد. با توجه به سیاست غیر سازنده جمهوری اسلامی در مورد مسائل گفته شده، پراحتی می‌توان به علل خشم گردانندگان رژیم از نتایج نشست اخیر کنفرانس اسلامی در آمان پی برد. دیگر این واقعیت پوشاندنی نیست که رژیم جمهوری اسلامی که خود راهبر یک "میلیارد مستضعف مسلمان" در سراسر جهان می‌داند، برای چندمین بار متوالی نه تنها در میان فقهای مسلمان منطقه، بلکه در میان کشورهای "اسلامی" نیز با عدم تفاهم روبرو می‌شود و دچار انزوای مطلق می‌گردد.

در واقع هم میان خلق‌های مسلمان و غیر مسلمان و انسان‌های معمولی در جهان معاصر، دیگر کمتر کسی را می‌توان یافت که هوادار جنگ و خونریزی بی‌پایان و تحمیل عقاید خویش به دیگران از راه "صدور انقلاب" باشد.

انزوای جمهوری اسلامی . . .

سوی چ. ا. ا. این شورا اقدامات مقتضی را به عمل آورد.

۲ - مسئله فلسطین: کنفرانس اسلامی با اکثریت قاطع آراء سازمان آزادیبخش فلسطین را یگانه نماینده قانونی خلق عرب فلسطین دانست و تشکیل دولت مستقل فلسطین را در سرزمین‌های اشغالی حق این سازمان خواند. کنفرانس اسلامی همچنین خواهان حل مسئله فلسطین از طریق برگزاری کنفرانس صلح خاور میانه با شرکت پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت و همه طرف‌های درگیر شد.

۳ - مسئله افغانستان: کنفرانس اسلامی حکومت کنونی افغانستان را حکومت واقعی کشور دانست و از سیاست آشتی ملی دولت افغانستان و مواضع اتحاد شوروی در زمینه خروج

خبرنگار اسپانیایی رسوا شد

هنگامیکه بجای "آزادی زنان"، صحبت از لایحه قصاص و سنگسار کردن زنان و وحشیگری‌های قرون وسطایی رژیم به میان آمد، وضع ناپسامان اقتصادی، فقر و گرسنگی، ویرانی و تلفات انسانی جنگ برای "صدور انقلاب" و اعمال شنیع در زندان‌های جمهوری اسلامی تشریح شد، خانم خبرنگار با چشمانی گریان استودیو را ترک کرد و فرار را برقرار ترجیح داد. تا یک ربع ساعت پس از پایان برنامه مردم هنوز به رادیو تلفن می‌کردند و همبستگی خود را با مردم ایران ابراز می‌داشتند بطوریکه گوینده چند بار مچپور شد از مردم خواهش کند دیگر تلفن نزنند.

"رادیو پیولار" در اسپانیا مصاحبه‌ای درباره ایران ترتیب داده بود. یک خانم خبرنگار اسپانیایی که اخیرا مهمان دولت ایران بود. نیز در مصاحبه شرکت داشت. این خبرنگار در سخنان خود تصویری بسیار دلنشین از سیامی جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی تصویر نمود، از "آزادی زنان" سخن گفت و اوضاع اقتصادی را خوب توصیف کرد. توپت که به دیگر ایرانیان رسید مصاحبه تهدیل به محاکمه این خبرنگار که گزارش سفر خود را در یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های اسپانیا چاپ کرده بود گردید.

انزوای جمهوری اسلامی در کنفرانس اسلامی

قاطع کشورهای اسلامی "درباره جنگ ایران و عراق جلسه را با واکنشی خشم‌آلود ترک کرد. بهینیم کدام مواد قطعنامه، که به تصویب اکثریت قاطع فرستادگان کشورهای عضو کنفرانس اسلامی رسید، این چنین خشم سران رژیم را برانگیخته است؟

۱ - مسئله جنگ ایران و عراق: قطعنامه کنفرانس اسلامی خواهان پایان دادن هرچه سریعتر به جنگ، برپایه پذیرفتن بدون قید و شرط قطعنامه ۵۸ شورای امنیت شد و از شورای امنیت خواست که در صورت عدم اجرای آن از بقیه در ص ۷

مقدمین نشست وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، کار خود را در امان، پایتخت اردن، به پایان رساند. هیئت‌های نمایندگی از ۴۴ کشور و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین در این نشست شرکت داشتند. جنگ ایران و عراق، آشتی ملی در افغانستان و خیزش مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغال شده از جمله مسائل برجسته‌ای بودند که پس از بحث‌ها و تبادل نظرهای فراوان، در قطعنامه پایانی نشست امان جای خود را یافتند.

دولت جمهوری اسلامی که نشست سال گذشته سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در کویت را تحریم کرده بود، این بار با فرستادن هیئتی به امان، نه تنها شگفتی شرکت‌کنندگان در نشست را برانگیخت، بلکه این‌پندار را نیز در ناظران بوجود آورد که گویا دولت جمهوری اسلامی مواضع خود را پیرامون جنگ تعدیل کرده است.

اما در آستانه رای گیری به قطعنامه‌های پایانی نشست، هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی با اعلام "انزجار" نسبت به موضع "اکثریت

شرکت نماینده

"کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران"

در کنفرانس بین‌المللی کارگران روستایی

دهمین "کنفرانس بین‌المللی کارگران و زحمتکشان کشاورزی، جنگل و کشت" از تاریخ ۱۵ تا ۱۸ مارس ۱۹۸۸ در پراگ زیر شعار "صلح، پیشرفت و همبستگی" برگزار شد. نماینده "کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران" نیز در این کنفرانس شرکت داشت.

کنفرانس کار خود را با حضور بیش از ۲۲۲ شرکت کننده از ۷۴ کشور آغاز کرد و با تشکیل جلسات عمومی و کمیته‌های منطقه‌ای ادامه داد.

نماینده ایران علاوه بر شرکت در جلسات عمومی، در کمیته کشورهای آسیایی کنفرانس حضور فعال داشت. کمیته نامبرده در طول دو روز با تشکیل جلسات منظم خود مسائل و مشکلات عمومی کشورهای در حال رشد و وجود شکاف عمیق بین شیوه و حجم تولید این کشورها و کشورهای توسعه یافته صنعتی، نوسان قیمت مواد خام و پرداخت هزینه گران واردات ماشین‌آلات و مواد مورد نیاز در تولید کشاورزی از کشورهای سرمایه‌داری، بیکاری روزافزون و مشکلات سندیکائی را مورد بحث و بررسی قرار داد. نماینده "کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران" ضمن دادن توضیحات لازم و مستندی درباره اقتصاد کشاورزی ایران، مسئله ارضی، مشکلات زحمتکشان روستایی و کارگران کشت و صنعت‌ها و دامپروری‌های بزرگ و صنعتی و ویژگیهای کشاورزی ایران را برای حاضران تشریح کرد. وی در زمینه وابستگی کشاورزی ایران به کشورهای امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا، مسئله واردات سرسام آور و داشاد در حال افزایش مواد غذایی از کشورهای مزبور و تخریب بنیان کشاورزی ایران را مطرح ساخت. مسائل فوق و چگونگی تولیدات دامی و کشاورزی در ایران، بشکل مونتاز و متکی بر واردات دام و بذر اصلاح شده، مواد غذایی و دارویی مورد نیاز و ماشین‌آلات از خارج، از نکاتی بود که بسیار مورد توجه کمیته آسیایی کنفرانس قرار گرفت. توضیحات نماینده ایران درباره جنگ ۷ ساله ایران و عراق، که در بقیه در ص ۲

کمک‌های مالی رسیده:

- رضوان امریکا ۱۱ دلار
- منیره امریکا ۱۰ دلار
- امین امریکا ۱۰۰ دلار
- گیلان امریکا ۱۵ دلار
- سحر امریکا ۲۶ دلار
- پیوند امریکا ۵۰ دلار
- الی امریکا ۳۳ دلار
- دوستی از اصفهان امریکا ۲۰ دلار
- انوشه امریکا ۲۶ دلار
- فرهاد کوچولو امریکا ۲۰ دلار
- رفقای تکزاس به یاد "آقارضا" ۴۰۰ دلار
- حسین امریکا ۲۰ دلار
- "بهرام افضلی" امریکا ۱۲ دلار
- "شاهرخ جهانگیری" امریکا ۱۵ دلار
- ۰۰۰۰۴ امریکا ۶۵ دلار
- ک.ح. امریکا ۶ دلار
- ۰۰۰۰۴ امریکا ۲۶/۲۰ دلار

شماره ۳ (۱۹۸۸) "مسائل صلح و سوسیالیسم" منتشر شد

از جمله مقالات شماره ۳ مجله "تئوریک و اطلاعات احزاب کمونیستی و کارگری عبارتند از:

- آ. کونیال (پرتغال): اوضاع مسئولیت شناسی فراوانی‌رانی طلبید؛
- آ. دوبرینین (اتحاد شوروی): سیاست خارجی اتحاد شوروی - اصول بنیادی و نوآندیشی؛
- آ. فاوا (آرژانتین): چرخش بسوی وحدت نیروهای انقلابی؛
- م. کابر هلوا (چکسلواکی): ا. توماس (جامائیکا): ژه‌را به‌ساهالا (ماداگاسکار): جنبش زنان و دوران معاصر؛
- تبادل نظر و بحث درباره "کمونیستها در جهان امروز"؛
- م. عبدالله (عربستان سعودی): ص. جابر (کویت): س. بن‌علی - ی. الحسن (بحرین): درباره "بحران خلیج فارس"؛
- و. ماندلا (آفریقای جنوبی): ۲۵ سال در شکنجه‌گاه‌های نژادپرستان.

NAMEH
MARDOM
NO: 201

آدرس پستی:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

5 April 1988

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است